

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۲۰ مارچ ۲۰۱۵

باز یک طنز!!

به نظر من پدیده فیسبک آئینه ای ست جهان نما؛ با گشودن این صفحه، عالمی از چهره ها، کرکترها اعم از زن، مرد، پیر، جوان، خوش خلق، عصبی بدخلق، با مطالب متنوع و گوناگون روبرو میشویم. دارندگان این صفحه بعضاً مانند من، چنان اندک رنج و نازک مزاج هستند، که با یک تبصره و اظهار نظر، برافروخته و یا چنان سرحال و خوش هوا میشوند، که از کوچکترین اظهار نظر بر خود میبالند و گوینده، یا نویسنده را مورد تفقد بیش از حد قرار میدهند. هرباری که با این صفحه سر و کار میگیرم بی اختیار گفتار دُر بار استاد ربانی، شهید راه صلح «؟» به خاطرم خطور میکند، که همه را در برابر این پدیده هوشدار داده بود. دیروز یکی از دوستان، کارتون طیاره ای را با پای انداز سرخ و نوشته «شرکت هوایی انشالله» در بدنه طیاره که اشاره به شرکت هوایی آریانا ست، به نشر سپرده بود. من که از کارمندان دیرینه و شاهد عروج آریانا، از طیاره های دوماشینه «دی سی ۳» به طیاره غول پیکر «دی سی ۱۰» بوده ام، امروز در غربت با دل پر خون، تماشاگر زوال ابدیش میباشم، که نظر به دلایلی، سربلند کرده نمیتواند. راست بگویم من ازین کارتون و آقای کارتونیست، به فحوای گفته ای که در بالا ذکر کردم، رنجیده خاطر شدم و افسوس خوردم که ای کاش دوستان میدانستند، آن جوانان زن و مرد، کارمندان خوش سیما و خوش لباس و خوش برخورد که یکی از وجیبه های وظیفوی شان برای جلب مشتری تقدیم احترام به همه بود، در راه پیشرفت و ارتقای شرکت محبوب خود چه ایثار و جانفشانی که نکرده اند و شرکت انشالله آریانا را در شرایطی که هنوز ترمینل وجود نداشت، در عوض در زمینهای واقع در منطقه هودخیل کابل، با برافراشتن خیمه ها به مسافرین خدمتگزاری، از خطوط پرواز خامه در میدان قوای هوایی خواجه رواش طیارات به پرواز آورده میشد، انشالله ایرلاین را به ارتقای درخور وصفی رساندند و در اخیر شاهد زوال جبران ناپذیر زحمات شباروزی خود هستند. از درد آریانا اگر بگذریم، دران کارتون چهره های «عین و غین» هم مشهود است، که کار وطن را سر براه نساخته یکی به راست و دیگری به طرف

چپ کمر سفر بسته اند. این کارتون انگیزه طنزی گردید، که ارتجالا سروده شده است و از نظرتان میگذرد:

گر غنی خان جانب حج می‌رود	عبدالله هم راست نی، کج می‌رود
آن یکی احرام بست، آوازه کرد	دیگری هم قشقه اش را تازه کرد
زین سفرها، داغها در سینه ماند	والی و شورا نشد، کابینه ماند
می‌رود این هر دو، سوی راست و کج	کسار دولت ناتمام است و فلج
صلح می‌گویند هر دم رنگ رنگ	در وطن در هر قدم جنگ است، جنگ
یا خپ و چپ در سفرها رفتن است	یا دروغ شاخ‌داری گفتن است
در زمین کاری نکرده سر براه	می‌پرند سوی هوا مانند گاه
گر هدف صلح و صفا با طالب است	در حقیقت طالب اکنون غالب است
صلح می‌خواهی، کمی هشیار باش	«داعش» آمد، جان من بیدار باش
دشمن مکرار، کارت میکند	بر سر خرابه، سوارت میکند

از «اسیر» دردمند این گپ شنو

کار میهن راست کن، آن گه برو

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، ۱۸ مارچ ۲۰۱۵ ع)